

نقش امضاء و اثر انگشت از نظر قانونی

بقیه از شماره پیش

انسان اولیه حتی در دوره توحش هم با آثار ناشیه از دست و پای خود و ممنوعانش بعلاوه سایر حیوانات آشنا بوده در کوه و دشت و جنگل و هر جای که زندگی میکرد با این پدیده حیاتی الفتی میداشت و از علائم آثار پای آنها برای رسیدن به مقصود و مقصد بهره گرفته حالا نیز با گذشت هزاران سال و استفاده از مواهب تمدن و ترقی باز از آنچه در بدو امر شناخته است مستغنی نیست. آنروز ناخودآگاه با استفاده از رده پای وحوش و خزندگان به پناه گاه و محل تجمع آنها راه میجست و یا مسیر خود را برای رهائی از حمله احتمالی آنها تغییر جهت میداد امروز نیز برای پیدا کردن حیوان گمشده و یا همراه و رفیق کوهنوردش از این طریق بهره بدست می آورد. و اگر زمانی برای رسیدن به توقفگاه ایل و تبارش در بیابانهای لم یزرع و غیر معمور از رد پای اشتران و چهارپایان ارائه طریق می یافت حالا نیز در کوره راههای کوهستانی و جنگلی و دشتهای پر برف و بیابانهای بایر برای رسیدن به آبادی یا واهه که استراحت گاه دائمی و یا موقت او میشود کمک میگیرد. تکرار این وضع در مسیر زندگی او و لزوم آن در جریان حیات اجتماعی متدرجاً وی را با جزئیات و خصوصیات و آثار و علائم ناشیه از دست و پای خود

آگاه نموده و بیشتر از آنچه بدایتاً میدانست مرتباً بر معلومات او افزوده شده به این معنی که روزگاری به تشخیص و تفکیک کلی و عمومی آن اکتفا می نمود اما با افزایش دانش و بینش خود و تجاربی که در این مرحله بدست آورده قدم پیش نهاده و با ریزه کاریهای آن به پیشبرد احتیاجاتش میپردازد ...

این تداوم و نیاز دائمی ناشی از خاصیت اجتماعی او را به کشف رموز دقیق آن رسانیده است بطوریکه با مشاهده خطوط دست و علائم پیچیدگی آن روزنه‌ای برای شناسائی بخت و طالع و یا حوادثی که زشت و زیبا قهرآ در انتظارش میباشد موفق شده است . و اگر چه برای نتیجه گیری از عمل خود از ناباوریهائی هم سود جسته است . ولیکن مآلاً انگشت نگاری و تن پیمائی و کف شناسی بزعم او دانش و اطلاعات خاصی گردیده که اگر چه خیلی ابتدائی و اولیه می نماید مع الوصف دنیای دیگری برای خود بوجود آورده که نمیتوان به تأثیر و خاصیت آن در احوال اجتماعی منکر شد .

و اگر روزی علاقمندان این امر اثر پای آدمی را روی خاکهای نرم و نمناک و یا روی برفها در حد اینکه دارندۀ رد پا در چه سن رسالی بوده و آیا مرد بوده یا زن مورد تحقیق و تفحص نظری و ذهنی قرار میداد . و یا اینکه افزار پای او از چه نوعی میشد و در کجا تهیه شده زمینۀ تحقیقاتش بوده با ترقی و پیشرفت فکری و علمی که بدست آورده حالا پافرا تر نهاده اندازه دقیق و حساب شده آنرا با علائم و خطوط ریز و کوچک حتی گوشه و زوایایش را ارزیابی میکنند . و نتایج حاصله را برای شناخت هویت او بکار میبرد و برای استفاده بهتر از این طریق در ادارات انتظامی هر کشوری تشکیلاتی بوجود آورده است که به (اداره تشخیص هویت) شهرت یافته و اگر چه این پدیده تازه و نوظهور در هویت او سابقه بسیار دوری ندارد و لیکن به پیشرفتهای قابل ملاحظه نائل است .

نمونه در آثار گذشتگان

در آثار باستانی و قدیمی ولو در متن تحقیقات علاقمندان در این موضوع اثری نیست. اما این نظریه به آن معنی نیست که عدم وجودی این امر را ثابت میکند. بایستی در انتظار تحقیق صاحب نظران و محققین علاقمند بود شاید نشانه‌هایی از آنچه بوده بدست آید. در ارتفاعات بلند کوه سهند در یکی از قله مرتفع آن که بنام محلی (سلطان داغی) نامیده میشود مقبره و زیارتگاه کوچکی است که مطاف اهل نیاز آن حدود است. هر سال ایام تابستان از دور و نزدیک برای کسب فیض و استفاضه بنا به معتقدات بسیار قدیمی بدانجا روی می‌آورند و با کشتن گوسفند و اهدای نذری که نموده‌اند یکی دو روز در جوار این پیر گمنام می‌باشند. و چون راه آن خیلی سخت و ناهموار است و دور از نقاط پر جمعیت میباشد فقط مراجعینش بسیار محدود و تقریباً اختصاص بساکنین قراء و آبادیهای آخرین بلندبهای سهند دارد. در آستانه درب ورودی این بقعه سنگ مرمر بسیار شفاف و روشنی است که برنگ سفید مایل بزردی می‌نماید و روی آن اثر پای راست مردی نقش بسته این حجاری بقدری از ریزه کاری و دقت و خصوصیات مخصوصی بهره‌مند است که گوئی همین دیروز و یا امروز از رد پای کسی قالب گیری شده و برجای مانده است و حتی آنانکه تا حدودی توجه و دقت و تأملی نموده‌اند آثار محسوسی از خطوط و علائم پای یک مرد کامل را در سرانگشته‌ها و کف پا و برآمدگیهای آن دیده‌اند که متأسفانه اطلاعات لازمه در این باره بسیار کم و در حکم هیچ است. که این اثر پا مربوط به چه زمانی و در چه تاریخی باین صورت ساخته و پرداخته شده. همینقدر برطبق روایات محلی و معتقدات معدودی این اثر پا در روی آن سنگ متعلق به آن کسی است که در همانجا به خواب ابدی فرو رفته و نشانه بارزی از شناسائی ایرانی با آثار ناشیه از دست و پهای انسانها بشمار میرود. و این شاه بیت از لسان الغیب حافظ شیرازی درباره اش صادق است

که می‌گوید. بر زمینی که نشان کف پای تو بود. سالها سجده صاحب نظران خواهد بود.

يك اثر و نمونه ديگر از اين نوع

در شهر تبریز محله سرخاب هم بقعه بنام (سید ابراهیم) وجود دارد. در اندرون بقعه که همیشه نیمه تاریک است اثر دیگری از کف دست و انگشتان مردی از دست راست او مشاهده میشود که در آن نیز مهارت و استادی بخصوصی در نقش آن بچشم میخورد. نگارنده در بیست سال قبل بدیدن آن موفق شده‌ام و گویا صاحب بقعه را نیز يك شرح حال خطی جامع و مفصلی هست و اگر بدست آید تاریخ بنای بقعه و مشخصات و سوابق امر روشن خواهد شد. که متأسفانه تلاش اینجانب برای دیدن آن بجائی نرسیده. و چه بسا در نقاط دیگر کشور ما از این قبیل آثار باستانی در سوابق آنها زیاد است و در اثر عدم توجه و تحقیق و تفرس در حاله از ابهام و ناشناختگی میماند و حال که می‌خواهیم گوشه از آنچه بوده بشناسیم و تا حدودی به سابقه انگشت‌نگاری پی‌بیریم منابع و مآخذی که لازمه کار و تحقیق است در دسترس نداریم. امید است علاقمندان و پژوهشگران ما با استفاده از محیط مساعدی که داریم بتوانند از آنچه که فعلا مقدر است و گذشت زمان هنوز از بین نبرده حداکثر استفاده را برای شکافتن موضوع داشته باشند. حکیم ابوالقاسم فردوسی عدم گشاده دستی سلطان محمود غزنوی را بسا این بیت هجو میکند. کف شاه محمود والاتبار نه‌اندر نه آمد سه اندر چهار.

کشفی در کمال مطلوب

در پنجم اوت ۱۸۷۷ میلادی يك افسر جزا انگلیسی مأموریتی در هندوستان داشته در ضمن خدمت پلیسی خود به کشف تازه موفق شده باین معنی که کسانی که بنحوی در مظان اتهام و تعقیب انتظامی قرار میگیرند برای شناخت سوابقشان

ملازمه با تشخیص هویت اصلی آنها دارد. که از هیچ طریقی برای احراز واقعیت امر موفق نمی‌شود. برای حصول این منظور در صدد پیدا کردن راه حلی بوده تا اینکه روزی وی متوجه اختلاف آثار و علائم و خطوط ناشیه از انگشتان متهمین میشود که اگر انگشت آنها را در مرکب فروربرد و آثارش را روی کاغذ بگیرد میتواند با تطبیق آن به منظور خود نائل شود. بنابراین شروع به آزمایش کشف خود میکند و اتفاقاً نتیجه رضایت بخشی میگیرد. این شخص (ویلیام جی-هرشل) نام داشت و مراتب را به مقامات مافوق خود گزارش میدهد در می‌یابند که مأمورشان یکی از مشکلات بزرگی را که همیشه با آن دست به‌گریبان بودند حل نموده‌است و به دین طریق انگشت‌نگاری و استفاده از آن جهت تشخیص هویت افراد عملاً وارد تشکیلات انتظامی میشود.

نتیجه که از این کشف بدست آمد.

این کشف تازه را که امروزه قریب به یکصد سال از پیدایش آن بدین‌گونه میگذرد بقدری گسترش یافته که علاوه بر مراجع انتظامی و سیاسی برای سودجویی از ابتکار این افسر دامنه بهره‌گیری آن به تنظیم اسناد و مدارک اجتماعی اغلب کشورها و مناطق گوناگون جهان رسیده در قوانین و مقررات مختلف استفاده از اثر انگشت موقعیت برجسته دارد. به‌تقلید از قواعد و قوانین اروپائی آنرا بی‌چون و چرا پذیرفته‌اند. و بدو صورت مورد استفاده واقع میشود اول برای احراز هویت و شناسائی و در ثانی برای حصول اعتبار اسناد رسمی به‌عنوانی که تنظیم میشود. مسلم است که در مورد احراز هویت و شناسائی شخص هر قدر پیشرفت علمی فراهم شود تشکیلات انتظامی مستغنی از وجود آن نخواهد بود. اما در مواقع استفاده برای تنظیم اسناد با تعمیم خواندن و نوشتن متدرجاً استفاده از آن کمتر خواهد شد. و شاید روزی ضرورت‌های اجتماعی عکس آنرا هم اقتضا نماید. که در مراجع

تنظیم اسناد از هر نوعی که باشد اثر انگشت و امضاء توأمأ بصورت يك اثر انکار ناپذیری درموازات هم قرارگیرد. و قدم تازه دراستحکام اسناد رسمی برداشته شود. زیرا هر قدر پیشرفت تمدن مادی بیشتر میشود و افراد جوامع بشری از معنویات اخلاقی دورتر می‌افتند به‌همان اندازه لزوم استحکام اسناد و مدارك تنظیم شده مابین آنها بیشتر احساس میشود. تا بتوان از سوء استفاده‌های اجتماع پیش گیری نمود. چنانکه در اسناد و مدارك مهم سیاسی علاوه بر امضاء طرفین متعدد برای ایجاد حصول اعتبار سند عکسی نیز به اتفاق یکدیگر میگیرند. و ضمیمه سند میکنند تا در صورت بروز انکار و تردید مورد استفاده ثانوی واقع شود.

با این توضیح اجمالی اگر چه استفاده از اثر انگشت و کف دست و پا بازا فکری و اندیشه دنیای غرب است و یا با استفاده از دانش و تحقیق اروپائی آنرا پذیرفته‌ایم. معیناً وجود این دو اثر حجاری یعنی (نقش دست و پای انسان) در این دو بقعه گمنام مؤید این نظریه است. که ایرانی خیلی پیش از آنکه هرشل انگلیسی به آثار و علائم ناشیه از دست و پای آدمی دست یابد آنها را از دید معتقدات مذهبی و تقدسی که برای آنها در موارد خاصی قائل شده مورد توجه قرار داده و بصورتی که مختصراً از آن تعریف شد وارد حیات معنوی و صنعتی خود کرده است. و از نظر ادبی هم بدان‌گونه که حافظ شیرازی ستوده و فردوسی از آن یاد کرده داخل در ادبیات حماسی و عرفانی ما بوده و اگر تعلق خاطر و ذوقی باشد بدون تردید منابع و مآخذ دیگری نیز شناخته خواهد شد که میتواند بالاتر از آنچه به سابقه آن اشاره شد رهنمون باشد. یا رب آن تمییز ده ما را بخواست. تاشناسیم آن نشان گز ز راست.

تبریز - ابراهیم خلیل - میثاقی ممقانی